

گزارشی از سفر به کابل

پس از مدت چهارده سال تصمیم گرفتم تا به کابل سفر نمایم. جهت خریداری تکت ، از طریق انترنت به نمایندگی های شرکت آریانا مراجعه کردم ولی جواب مثبت بدست نیاورم. بعدا متوجه شدم که در پائین آدرس هر نمایندگی شرکت آریانا درخارج ، آدرس اجنت و یا کمیشن کارشکرت نیز درج گردیده است که درحقیقت مشکل کشاست. با یک ای میل و تماس تیلفونی با کمیشن کار مشکل حل شد و فردای آنروز از نمایندگی آریانا در استانبول ای میلی دریافت کردم که بتاریخ ۱۲ جون تکت برایم « بوک » شده بود .

روز سه شنبه ۱۲ جون به دفتر تکت فروشی آریانا در میدان هوایی استانبول مراجعه کردم، تکت خود را تسلیم شدم و پس از ساعاتی همراه با سایر مسافرین جهت پرواز آماده شدم و جهت تسلیمی بکس های مان درصف ایستادیم. عده از مسافرین که بکس های سنگین و زیادی داشتند در گوشه جداگانه منتظر تشریف آوری نماینده آریانا بودند. هنگام ورود نماینده آریانا ، نخست بکس های این آقایون بدون وزن راهی هواپیما شد و دیگران براساس نوبت پس از « تول و ترازوی » اموال شان بطرف دروازه خروجی میدان براه افتادند. درطول راه با خود گفتم که جناب آتش ، سابق رئیس شرکت آریانا ، شصت ملیون دالر این شرکت را مانند دارای شخصی اش به امریکا انتقال داد واکنون در امریکا زندگی میکند و جناب قاسمی وزیر سابق ترانسپورت نیز ، ملیونها دالر را بحساب شخصی شان انتقال دادند. اینک پسمانده دزدان کلان ، نمایندگان کنونی این شرکت بدنام هستند. عمل کارمندان این نمایندگی ، گوشه از کارنامه های مامورین دستگاه دولت افغانستان بحساب میرود .

بهرحال، هنگامیکه به درخروجی میدان رسیدیم، مدتی منتظر ماندیم تا اینکه نماینده آریانا و مقامات امنیتی ترکیه با تعدادی از افغانان رسیدند. این افغانان افسرده دل که تعدادشان به ۱۵۰ نفر میرسیدند، جوانانی بودند که در ترکیه و یونان بازداشت شده بودند و اکنون زیر نظارت قوای امنیتی ترکیه به افغانستان برگشته می شدند. این جوانان وطن که از مناطق مختلف کشور و از همه گروههای قومی وطن واحد ما بودند، هر کدام داستان خودش را داشت. هریک مدت یک تا سه سال را با مشکلات فراوان از افغانستان تا ترکیه و یونان برای رسیدن به اروپا سپری نموده بودند. عجیب ترین آنکه پول تکت ایشان یا توسط خودشان و یا توسط یکی از اقاربشان پرداخته شده بود.

سرانجام هواپیما به فرودگاه بین المللی کابل بر زمین نشست. هنگام خروج از هواپیما، فرودگاه کابل و منظره خشک و ویران آن توجه هر مسافر تازه وارد را به گوشه ای از چهره اصلی پایتخت کشور جلب میکند. وقتیکه داخل سالون ترانزیت شدیم وضع بدتر از آن می نمود که کسی تصورش را کند. ساختمان آن از هرجهتی و از هر منظری که به آن نگاه میکردی بیشتر به دالان شباهت داشت، تا سالون ترانزیت فرودگاه بین المللی یک کشور « نمونه » در منطقه. فراموش نشود که مسافرین خاص و وابستگان دولتمردان حاکم مثل مسافرین بی واسطه چون من نیاز به ورود به سالون و مقررات از قبیل چک و کنترل اسناد سفر و ... نداشتند، آنان مستقیماً از فرودگاه به سوی مقاصدشان رفتند. بالاخره بعد از تحویل گرفتن وسایلم می خواستم هرچی زودتر از آن سالون بیرون شوم. بستگان و آشنایان مسافرینی که جهت پذیرائی آمده بودند هم به دو گروه تقسیم می شدند، کسانی که واسطه داشتند داخل سالون ترانزیت فرودگاه آمده بودند، مگر آنانی که واسطه نداشتند و از زمره اکثریت محروم و فقیر جامعه بودند زیر آفتاب سوزان تموز کابل که حرارت آن تاسی و پنج درجه سانتی گراد می رسید در حدود دو تا سه ساعت منتظر مانده بودند.

پنج سال و اندی از حاکمیت دولت جمهوری اسلامی به رهبری کرزی و شرکا می گذرد. در این مدت رسانه های غربی و مبلغان درون حاکمیت گوش مردم را کر کردند که افغانستان پس از فروپاشی امارت اسلامی طالبان و دموکراسی به شاهراه تمدن و

ترقی در حال حرکت شتابنده است. شاید این هیاهو و تبلیغات کرکننده رسانه های گروهی داخلی و کشورهای اروپا و امریکا برای ساده دلان بازار سیاست و آوارگان تا حدی دلگرم کننده باشد، ولی اکثریت عظیم توده های مردم که خود شاهد نزدیک واقعیت های جاری استند و هنوز از برکت حاکمیت دموکراسی اسلامی حتما قادر به تهیه یک وقت غذای کافی برای خود و فامیل های شان نیستند و در فقر سیاه، بیکاری، بیماری، بی سرپناهی و نابرابری حقوقی و بی باوری به فردا زندگانی تلخ دارند، به ریش این قافیه بافان بازار تزویر و ریا و تبلیغ می خندند و نفرین ابدی نثار شان می کنند.

بهر حال در شهر کابل که مرکز حاکمیت دولت است چندان امنیت قابل اعتباری حاکم نیست. احزاب اسلامی شریک حاکمیت کماکان و علیرغم نفرت عمیق مردم از آنان، فاکتور اصلی قدرت را می سازند. تازه بدوران رسیده ه گان که از برکت غنائم باد آورده، تجارت، چپاول و غارت هست و بود توده های مردم از موقعیت اقتصادی غول آسا برخوردار شده اند، بر روی ویرانه های کلبه های گلین و محقر زحمتکشانشان با توسل بزور قصرهای افسانه ئی بنا کرده اند، نه یکی نه دوتا بلکه بیشمار... اما دولت در این زمینه هیچ کار عام المنفعه و چشمگیری انجام نداده است. قرار آمار ابلاغ شده از جانب مسؤولان شهرداری کابل در حدودی ۵ میلیون جمعیت در کابل زندگی می کند. شهر کابل در حقیقت به یک ویرانه شبا هت دارد تا به یک شهر مدرن و عصری. هنوز در شهر کابل آب آشامیدنی کافی وجود ندارد. مردم شهر جهت رفع نیازمندی های شان از آب های آلوده و غیر صحتی استفاده میکنند، که این خود زمینه شیوع انواع بیماریهای مزمن را فراهم میکند. شهر کابل به موزیم و سایت موتوری گوناگون دارای اشترنگهای چپ و راست جهان مبدل شده است. اشارات ترافیکی و مقررات ترافیکی هنوز هم جلوه های دلخراشی دارد بگونه احزاب چپی و راستی و تنظیمی در جاده های شهر برخورد و سرو و سینه و دست و پای یکدیگر را خون آلود میکنند.

یکی از ابزار تبلیغاتی دولت کنونی و حامیان آن در سطح جهان بهبود وضعیت زنان در افغانستان است. ولی در کنار سنگسار و خودسوزی های پر خاشجویانه زنان و دختران

جوان که هرروز خبر آن از گوشه و کنار کشور به گوش می رسد، اپارتاید جنسی درکشور از آنجمله درشهر کابل جلوه های غم انگیزی دارد. زنان هنوز از ترس و همچنین به دلیل سلطهٔ راه ورسمهای خرافی و ضد دینی حاکم بر جامعه از حضور اجتماعی گسترده محروم اند. به مساجد و مرکز فرهنگی آزادانه رفته نه میتوانند. اگر دیروز اپارتاید و تبعیض جنسی قادر بود صف زنان و مردان را در بس ها از هم جدا کند امروز عملاً تلاش صورت می گیرد تا این اپارتاید جنسی را حتی در مراکز عالی تحصیلی نیز گسترش دهند و تحمیل نمایند .

در دوران حاکمیت احزاب اسلامی در کابل، به مراسم عروسی که در سالون ها و هتل ها برگزار میشد ؛ اگر صفوف زنان و مردان شرکت کننده در مراسم ، تنها با کشیدن یک پرده در وسط سالون از هم جدا میگردید . ولی امروز از برکت دموکراسی اسلامی و از برکت آزاد سازی ، محافل عروسی، به طور عموم، در دو سالون جداگانه مختص زنان و مردان برگزار می شود .

با وجود تبلیغات و هیاهوی کرکننده مطبوعات انجویی ومبلغان دولت این نمونه ها نشان می دهند که افکار زن ستیزانهٔ طالبی و قرون وسطائی تا چی حد ومرزعجیبی بر جامعه بلادیده ما سیطره یافته است. بر بستر همین افکار واپسگرایانهٔ حاکم حتا خانواده های روشنفکرکه قبلا آزاد یهای نسبی داشتند ، امروز تحت تاثیر فضای عمومی ، به زنان و دختران شان محدودیت هائی را تحمیل می کنند. هرچند که هیچ مرجع رسمی ومحتسبی برای اعمال اپارتاید جنسی وجود ندارد.

گروهی صاحب همه چیز و گروهی فاقد همه چیز هستند.

در شهرکابل و حومه خبرچندانی از بازسازی بچشم نمیخورد. تنها در محله هائی که دولت و نیروهای خارجی در آن مستقر بودند بازسازی انجام شده است. ویرانی، بدبختی، فقر و فحشا در گوشه وکنار شهر کابل و سایر شهرهای نزدیک به کابل به وضوح دیده میشود .

– از اقشار ولایه های متوسط جامعه شنیدم که در هر گوشه ای که کشت ، تولید ، انتقال و تجارت تریاک آزاد است قیمت تریاک و هیرویین ، توسط نیروها خارجی بخصوص نیروهای امریکایی ، انگلیسی و کانا دایی تعیین میشود. فروشند ه گان افغانی بهیچوجه کنترولی بر فروش مواد مخدر ندارند. امریکائیان، سران دولت کرزی، مجاهدین و نیروهای آنان، بقایای طالبان و القاعده همه در ترویج و افزایش تولید خشخاش و مواد مخدر در افغانسنان با هم همکاری می کنند. اگر اداره های مبارزه با تولید و قاچاق مخدر دولت واقعا مخالف ترویج و تجارت مواد مخدر هستند ، پس چرا کشت و فروش و انتقال مواد مخدر حتی از زمان حکومت طالبان هم بیشتر شده است. چگونه این مقدار بزرگ تولیدی به سهولت از افغانستان به امریکا و اروپا منتقل میگردد. پرواضح است که نظامیان امریکایی، انگلیسی و کانادایی ، رهبران مجاهدین و طوریکه بارها توسط جنرال امین الله و داکتر علی احمد جلالی وزیر داخله گفته شده ، مقامات عالیرتبه دولتی و نزدیکان کرزی در این شغل پردرآمد دست قوی داشته اند.

– وجب وجب شهرکابل ، بشمول مراکز تفریحی ، صحتی و ساحات سبز ... توسط شاروالی بفروش رسیده است. حومه های شهر کابل توسط اشخاص با نفوذ جهادی تصرف و به قیمت گزاف بمردم بفروش رسیده و میرسد.

– سکتور دولتی از جمله معادن ، دستگاههای ساختمانی و تصدیهای دولتی ... به ارباب قدرت و سرمایه به قیمت های بسیار ناچیز بفروش میرسد.

– در دوران اقامتم در کابل ، سه انفجار بوقوع پیوست و دلخراش ترین آن در نزدیکی قوماندانی ولایت کابل بود که باعث کشته شدن سی و شش تن از شهروند کابل گردید . در این مدت ، شهرکابل دوبار شاهد حملات راکتی بود که خسارات جانی در بر نداشت . همچنین ، در این مدت سه سرقت مسلحانه و یک اختطاف صورت گرفت. اختطاف اطفال سرمایه داران شکل معمول را بخود گرفته است. یک هفته قبل از ورودم به کابل ، پسریکی از دوستانم در بدل ... دالر رها گردیده بود. برادرش برایم گفت : برادرم را از سرک تایمنی ربودند ، دهانش را با پلستر بستند و او را در یک بوجی در

زیر چوکی موتر شخصی گذاشته به شمالی انتقال دادند. روز بعد برای ما نامه نوشتند و تیلیفون کردند و خواهان پول شدند. زمانیکه موعد معین بسر رسید و از ما جوابی دریافت نکردند ، دو نارنجک بخانه ما پرتاب کردند که باعث خسارات مالی گردید ولی تلفات جانی ببار نیاورد. بالاخره پدرم مجبور شد تا پول مورد نظر را بپردازد و برادرم آزاد گردد.

پس از اشغال ، حضور و نفوذ امریکا و کشورهای عضو ناتو و شرکاً به افغانستان هرج و مرج ، قانون شکنی ، غصب دارایی مردم و تعرض بر جان مال و امنیت شخصی مردم جلوه های دلخراشی دارد. مقامات بلندپایه خود را در برج و باره های پولادین نهان و جدا از مردم زنده گی میکنند. هنوز خلاف تبلیغات رسانه های گروهی داخلی و جهان حاکمیت ملی عملاً به مردم افغانستان انتقال نیافته است و مردم از نبود دولت ملی عذاب میکشند. بر سرنوشت مردم کشور ما در عمل مقامات بلند پایه لشکری و دیپلوماتیک امریکا، امریکاییان و اروپاییان افغان تبار حکومت میکنند. تمامی نیروها، اعم از امریکا بیان تا طرفداران طالبان، القاعده، نیروهای ایساف و مقامات بلندپایه دولت هر کدام برای رسیدن به اهداف خود به غارت، چپاول و ویرانی و مردم آزاری دست میزنند.

باهمه کارهای انجام یافته تصوری شود که تارسیدن به مقصد نهایی استقرار یک نظام پایه دار دموکراتیک هنوز فاصله بسیاری داریم، وضع اجتماعی اقتصادی و سیاسی نسبت به دوران حاکمیت جمهوری دموکراتیک افغانستان نه تنها بهبود نیافته است بل در موارد بیشماری جامعه سمت و سوی قهقرایی دارد. بیک سخن، اگر شرح جزئیات قضایای کشور بگذریم ، این مسئله بعنوان یک موضوع محوری تواند به میان آید که افغانستان هنوز فاقد یک حکومت کارآمد، با درایت و قاطع می باشد .

بیروکراسی واقعا بیداد میکند. مسئله مسئولیت پذیری دست اندارکاران یک امر فراموش شده می باشد. با مراجعه به مراجع ذی صلاح می توان دید که احساس مسئولیت پذیری ، گریز از پاسخ دهی شفاف ، تطبیق قانون و مقررات و... بسیار کم

رعایت می گردد. واقعیت اینست که امور مربوط به ادارات دولت از طریق واسطه یا رشوه، ساده تر و به وقت کمتر، انجام میشود. در عرصه امنیت و خامت اوضاع روبه افزایش است. تنش های جزئی روز به روز دامن زده می شود. تشویش از جهت ناامنی تنهامنوط به عملیات های مسلحانه نمی شود. بلکه بیشترین تشویش و نگرانی از جهت عدم اجرای قوانین و مقررات می باشد. در بسیاری موارد مردم از جانب حکومت ناامید گردیده، خود بدون مراجعه و یا در میان نهادن ارگانهای ذی ربط دست به اقدام می زنند.

سیطره و یا اتوریته حکومت در نزد مردم کمرنگ گردیده زیرا حکومت مشی اصلی خود را مصالحه و سازش با کسانی قرارداد است که قانون شکنی و انجام کارهای خلاف و ضد مصالح جامعه شیوه و عادت شان می باشد. بطور مثال تا کنون هیچ متخلفی چه از افراد عادی جامعه و چه از میان مقامات بلند پایه بخاطر ارتکاب جرمی بصورت علنی مجازات نگردیده است. همینطور هیچ مقام و مسئول متخطی نه تنها مجازات نه میشود، بلکه ارتقای مقام نیز میشود. تغییر و تبدیلی ها معمولاً در مواقعی صورت میگیرد که بخواهند چنان افرادی را از يك موقعیت یا محل به موقعیت و منطقه دیگر تبدیل نمایند. یعنی پله رابطه های قومی و تباری و محلی و تنظیمی بر ضابطه های دموکراتیک و قوانین سنگینی میکند و عدالت شهید میشود.

همین طور فاکتور دیگری که بر ناامنی و بی نظمی دامن زده است اینست که برخی از مقامات یا در بعضی از اغتشاشات دست داشته یا نسبت به آن تمایل دارند. هر دو مورد سبب می گردد که اقدام جدی و قاطع در مقابله با اغتشاش صورت نگیرد. ارسال هیئت و یا ایجاد کمیسیون های تحقیق و ارزیابی فقط روند فرمالیته ای است که برای ساکت نمودن و یا انحراف ذهن جامعه صورت می گیرد.

اینها گوشه ای از حکایات تلخ مردمی بود که ادارهء قصر سفید و وارثان استعمار بریتانیای کبیر برای ایشان زیر شعار خوشایند صلح و آزادی به ارمغان آورده اند.

هنگامی که در راه بازگشت در هواپیما لحظات طولانی به کوه های نیمه خشک و بسیار زیبای کشور می نگریم، از دیدن پستیها و بلندیهای و سایه روشنهای طبیعت

پراز شگفتی و تحسین بر انگیز کشور مستعد به تکامل ما این امیدهای خوشبینانه ، در ذهنم شکل گرفت که افغانستان به راستی سرزمینی است ویژه در لحظه تاریخی ویژه. شاید کمتر در تاریخ پیش آمده باشد که منافع یک کشور فقیر و عقب مانده با کشورهای پر قدرت و ثروتمند جهان در برهه ای از تاریخ این چنین با هم گره خورده باشد. شکی نیست که بدون حضور نیروهای ائتلاف ، افغانستان باردیگر و به طرزی خشونت بارتر از ربع قرن گذشته به دامان خونریزی و ویرانی در خواهد غلطید. مسلم است که سازمان ملل متحد و دیگر سازمان های بین المللی موظفند که این نخستین تجربه تاریخی مداخله بشردوستانه ضد تروریستی درازمدت را پیروزمندانه به پیش برند و اگر بتوانند با تضمین قدرتهای بزرگ جهان و منطقه بیطرفی دایمی و غیر نظامی شدن افغانستان را تأمین کنند و با برقراری معیارها و قواعد شناخته شده بین المللی کنترل سنجش و کارائی خود را نهادینه سازند و نمونه بی نظیر همکاری بین المللی را در بازسازی و نو سازی کشور ما به سوی مدرنیته به نمایش گذارند . خلاصه اقامت و زنده گی یک ماهه در شهر کابل به این واقعیتها و ویژگیها آشنا شدم که انسان امروز جامعه ما میان بیم و امید ، نور و ظلمت ، روی خطی نوسانی حرکت میکند ولی این خط سمت و سوی اوج یابنده دارد. با چنین شناختی وطن بحرانی خود را به امید صلح و ثبات کشور ترک گفتم. هوا پیمای ما میان ابرهای پارچه پارچه پیش می رفت و لحظه به لحظه بالاتراز ابرهای تیره و تار و قله های سرکش کوهپایه های وطن اوج نو میگرفت و مرا به خورشید درخشان نزدیک و نزدیکتر میکرد ، هزاران تصویر امید بخش و دورنمای روشن فردارا در در دل و دماغم می آفرید. سفر به میهن و خانه جاودانی خورشید جهان ، برآستی سفری شگفت انگیز و یگانه بوده است .

شاداب و شگفته باد این خانه جاودانی خورشید جهان ما

با احترام

www.ayend.org